

از کاوش میان عقل و نقل، رهسپار متدولوژی تفکر تفسیری

محمد مرادی^۱

چکیده

دغدغه اصلی دین‌پژوهان معاصر، حل چالش به‌وجودآمده میان عقل و نقل است. از یک سو، عقلانیت مدرن معتقد است برای عقب‌نماندن از پیشرفت، باید حرکت کرد و از دیگر سو، با متنی مواجه هستیم که حقانیتش با عقل اثبات شده است و به‌ناگزیر، ما را پایبند به آن کرده است. زاویه سوم، نسبت بین عقلانیت و متن است؛ به این اعتبار که فهم متن صامتی، بر عهده عقل گذاشته شده است که نتیجه جدال در این حوزه، به تعبیری، ناسازگاری و ستیز میان سنت و مدرنیته مطرح می‌شود. در بحث از نیاز به عقلانیت و نیاز به سنت، باید در جستجوی راهی برای پایبندی همزمان به سنت و عقل بود. راه جمع میان این دو، در فهم درست ضلع سوم مثلث است. با تفسیر صحیح متن و پایگاه و جایگاهی که از آن تعبیر به دین می‌شود. ما به واسطه فهم خود از دین، دین‌دار می‌شویم؛ در این فرآیند، عقل و نص چنان با هم درآمیخته می‌شود که غیرقابل انفکاک است. معتقدات دینی و شریعت و حتی اخلاق، از غربال عقل عبور می‌کند. مراد از دین، دستاوردی است که عقل از نص به دست آورده است.

عمده‌ترین شاخص فهم صحیح متن، این است که متن در چارچوب‌های زبانی فهمیده شود و نیز فهم، عقلانی باشد؛ به‌گونه‌ای که دیگران هم این فهم را درست می‌دانند. مراد از چارچوب زبانی، انتساب به قواعد زبان‌شناختی چونان شاخص‌های نحوی و بلاغی زبان، دلالت‌های متنی زبان و... است. مراد از عقلانیت، درکی است که قوه فاهمه انسان دارد. در پاسخ به این سؤال که آیا مراد خداوند هم همین است، بیان می‌شود؛ چون بر اساس قواعد زبان‌شناختی حرکت کرده‌ایم، می‌توانیم این فهم را به خداوند هم نسبت دهیم؛ هرچند که در این نسبت‌دهی، قطع نداشته باشیم. این شیوه تفسیر، می‌تواند برای زمان معاصر مناسب باشد. سنت در عداد متن اولیه دین است. بخشی از سنت، شارح متن قرآن است و قسمتی از سنت، نماد عینی متن است و در برخی از موارد، ادامه متن قرآن است.

واژگان کلیدی: عقل و وحی، عقلانیت، روش‌شناسی تفسیر، تمدن دینی، نص، جهان سنت.

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث.